

بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در خانواده‌های شهر کاشان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

کد مقاله: ۱۰۰۹۸

اسداله بابایی فرد^{۱*}، احسان صنعتکار^۲، عطیه رحمانی پور^۳

فاطمه راهب^۳، محبوبه ثابت جعفری^۳، منیره شفیعی^۳،

فریبا چایدوست^۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در خانواده‌های شهر کاشان پرداخته است. در این پژوهش از نظریات همسان همسری، مبادله، شبکه، منزلت اجتماعی و کنش متقابل استفاده شده است. در این پژوهش از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین ناسازگار شهر کاشان بوده است. حجم نمونه‌ی پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران، برابر با ۳۰۰ نفر تعیین شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل مؤثر بر نارضایتی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس است. همچنین، تحلیل رگرسیونی نشان داد که، از میان متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی، متغیرهای میزان اختلاف و تفاوت‌ها، متغیر میزان دخالت اطرافیان، متغیر عوامل مؤثر در نارضایتی و متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد تأثیرگذارترین متغیرها بر متغیر وابسته بوده است.

واژگان کلیدی: ناسازگاری زوجین، طلاق عاطفی، رضایت از زندگی، مسائل اقتصادی.

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) babaiefardm@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشا

۳- کارشناس جامعه‌شناسی

خانواده نوعی نظام اجتماعی و عاطفی است که کانون رشد و آرامش اعضای آن است. نهاد خانواده عامل همبستگی، شرط تعادل اجتماعی و نخستین نهاد جامعه است که با تغییرات در فضای خانواده، فضای اجتماعی جامعه نیز می تواند تغییر یابد. ازدواج با ایجاد تغییراتی در دیدگاه فرد نسبت به خود، همسر و جهان مرتبط می باشد. ازدواج در همه جوامع یک نهاد مهم شمرده می شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر فردی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می رود (میرز و همکاران، ۲۰۰۵)، به طوری که در پژوهش وایت و گالگر (۲۰۰۰) نشان داده شد که ۹۳ درصد افراد مورد مطالعه، داشتن ازدواج شاد را یکی از اصلی ترین اولویت های زندگی خویش می دانستند و بر این باور بودند که ازدواج یک تعهد مادام العمر است که جز در حالت های اضطراری نباید به آن پایان داد. فردی که ازدواج می کند در زمینه های روانی، بین فردی و اجتماعی تحت تأثیر تغییراتی قرار می گیرد. بنابراین اگر اختلال مهمی در ازدواج فرد رخ دهد، سایر ساحت ها نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبرو کرده است. طی این مدت خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده ای در معرض تهدید قرار گرفته است. وقتی کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت این گسستگی می تواند به طلاق منجر شود. اگرچه طلاق از نظر اجتماعی یک آسیب به حساب می آید و از عوامل گسستگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده است، ولی به علل مختلفی همه ازدواج ها دوام ندارند و برخی به طلاق ختم می شوند. اما طلاق امری ناگهانی و آنی نیست که زوجین بتوانند به سرعت به این تصمیم برسند بلکه معمولاً طی یک دوره و فرایند مدت دار به این نتیجه می رسند که در مدت این فرایند دچار ناسازگاری های متعددی می شوند.

تعارضات زناشویی و طلاق، تهدیدهایی جدی برای واحد زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش کشیده و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می شوند. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره وری پایین در کار (مارکمن و همکاران، ۱۹۹۴) از جمله این پیامدها برای بزرگسالان به شمار می آید. علاوه بر آن تعارضات زناشویی برای فرزندان نیز عواقب منفی شدیدی دارند. رضایت از ازدواج و سازگاری زناشویی در تداوم آن نقش مهمی دارد. زیرا وجود ناسازگاری در روابط همسران به دشوار شدن وظایف والدینی، کاهش میزان سلامت جسمانی و بهداشت روانی همسران، کم شدن میزان رضایت از زندگی، احساس تنهایی بیش تر و اشکال در روابط اجتماعی می انجامد. ناسازگاری سبب می شود تا روابط صحیح میان اعضای خانواده به صورت عمومی از بین برود و نتیجه عدم روابط صحیح میان افراد، ایجاد اختلال در فرایند زندگی است به گونه ای که فرد در بلندمدت دچار آسیب های روانی می شود. ناسازگاری زوجین همواره در میان تمامی خانواده ها بوده است اما در اینجا منظور از ناسازگاری زوجین آن دسته از ناسازگاری است که بلندمدت بوده و باعث ایجاد گسستگی زوجین از یکدیگر می شود و می تواند به طلاق عاطفی ختم شود. امروزه ناسازگاری زوجین، یکی از مسائل مهم و آشکار در فضای عمومی جامعه است. ناسازگاری زوجین، در واقع زمینه ساز طلاق عاطفی و طلاق رسمی است. ناسازگاری زوجین جلوه ها و علت های متعدد و متفاوتی دارد. ناسازگاری زوجین مفهومی متغیر است که معیار یکسان در تعریف آن ارائه نشده است (ایشلمن، ۱۹۸۸: ۴۱۹). به طور عمومی سازگاری فرد با جنس مخالف در روابط میان زوجین به شدت تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی است که ناهماهنگی این عوامل می تواند ناسازگاری زوجین را ایجاد نماید (ناک، ۱۹۸۷: ۱۳۴). خانواده های امروزی به دنبال تغییر در الگوهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ... دچار چالش های متعددی از جمله ناسازگاری زوجین شده اند. به گونه ای که روابط میان خانواده، میان والدین، میزان رشد جمعیت، نقش های اجتماعی و فرهنگی درون خانواده و نظایر آن، منجر به ایجاد بحران در خانواده شده است. از طرفی نیز تغییر الگوها بالا رفتن میزان مصرف در خانواده، ناهماهنگی میان درآمدها و هزینه های جاری خانواده، تأثیر تکنولوژی های نوین همچون شبکه اینترنت، تلویزیون های ماهواره ای، فضای مجازی و ... باعث بروز نسبی ناسازگاری میان زوجین شده است. این در حالی است که امروزه و به خصوص در نسل جدید ازدواج ها از روی علاقه و عشق و محبت صورت می گیرد و برخلاف نسل های پیشین دو طرف شناخت نسبی از یکدیگر دارند اما در طول زندگی مسائلی رخ می دهد که منجر به ناسازگاری میان آنان می شود. در واقع علی رغم تلاش زوجین بیشتر به دلیل وجود فرزندان، برای نرسیدن به مرحله طلاق رسمی، تقریباً نیمی از کل پیوندهای زناشویی به ناسازگاری و درصد بالایی از مابقی نیز به طلاق عاطفی منجر می شود (باباسالاری، ۱۳۹۱: ۴). از این رو، برای پیشگیری از وقوع ناسازگاری میان زوجین و کاهش آن در نهاد خانواده، باید عوامل مؤثر در گرایش به ناسازگاری را شناسایی و برای حذف یا کم رنگ کردن این عوامل تلاش نمود. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک خانواده ها در شهر کاشان است.

۲- پیشینه تجربی تحقیق

عباسی و ارشاد (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی مؤثر بر ناسازگاری زناشویی در شوشتر» انجام دادند. این پژوهش که با روش پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته صورت پذیرفت، دارای جامعه آماری ۴۵۳ نفری بوده است. از تحقیق شامل ۹ فرضیه اساسی بوده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که میان متغیرهای رضایت‌مندی شغلی و برون‌گرایی با ناسازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین میزان نوگرایی، شیوه جامعه‌پذیری دموکراتیک، میزان تقدیرگرایی، میزان عام‌گرایی، بهزیستی روانی و میزان تعلق دینی با ناسازگاری زناشویی رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در بین زوج‌های مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشکین شهر» انجام داده‌اند. این مقاله که با روش پیمایش و با جامعه نمونه ۲۸۰ نفری صورت پذیرفته است از نظریات کارکردگرایی، همسان همسری، ناهمسان همسری، شبکه و مبادله بهره گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میان ناکامی‌های زوج‌ها از زندگی مشترک، دخالت دیگران در زندگی زوج‌ها، میزان دینداری و اختلاف سنی زوج‌ها با ناسازگاری زناشویی ارتباط معناداری دارد. میزان ناسازگاری زوجین بر حسب درآمد خانواده، سطح تحصیلات و نوه شغل زوج‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. میزان ناسازگاری زوجین در بین زوج‌های دارای اعتیاد بیش از زوج‌های غیرمعتاد است.

مسعودی اصل و راد (۱۳۹۵) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز» انجام داده‌اند. این مطالعه با روش پیمایش و با جامعه آماری ۲۰۰ زن ناسازگار ۱۵ تا ۵۰ ساله صورت پذیرفته است. بر اساس یافته‌های به دست آمده از این مطالعه ناکامی جنسی بیشترین ارتباط را با ناسازگاری زوجین داشت و در مجموع میزان ناسازگاری زوجین توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پایبندی‌های مذهبی و پایگاه اجتماعی پایین تبیین می‌شود. همچنین ناکامی جنسی با ناسازگاری زوجین رابطه‌ای مستقیم و از طرف دیگر پایبندی مذهبی با ناسازگاری زوجین رابطه‌ای معکوس دارد.

ایکبو و رایت (۱۹۹۰) پژوهشی با عنوان «ازدواج‌های عاشقانه و تحمیلی» انجام داده‌اند. نمونه این تحقیق ۵۸۶ نفر از زنان ۲۲ تا ۷۰ ساله برده و هدف آن بررسی تغییرات ازدواج تحمیلی به ازدواج با انتخاب آزادانه بوده است. نتایج نشان داد، مادامی که جوانان هر چه بیشتر به فرایند انتخاب همسر فائق آیند و خود تصمیم‌گیرنده باشند، نقش والدین در انتخاب همسر به سرعت رو به کاهش خواهد گذاشت. پاسخگویان به قدرت رسیدن کمونیست‌های چین در سال ۱۹۹۹ را عامل مهمی در تغییر ازدواج سنتی به مدرن تلقی می‌کنند. این حزب، سیستم ازدواج اجباری را که در آن خواست و تمایل فرزندان در امر ازدواج نادیده گرفته می‌شد را به شدت مورد انتقاد قرار داده و اعلام کردند که ازدواج باید بر مبنای خواست کامل دو طرف باشد. ایکبو و رایت در قسمت دیگری از تحقیقی خود به عدم گسترش فرهنگ معاشرت اشاره می‌کنند. آن‌ها در این مورد به این نتیجه رسیدند که علیرغم تغییرات در شیوه انتخاب همسر در چین، در بین جوانان چینی، گرایش کمی به فرهنگ معاشرت در رابطه عاشقانه قبل از ازدواج با شریک‌های مختلف دیده می‌شود.

آلن بوث و همکاران (۱۹۹۵) پژوهشی با نام «آیا مذهب در ازدواج امروزی تأثیر دارد» انجام داده‌اند. در این تحقیق تأثیر تغییرات مذهبی بر کیفیت زندگی و بر عکس انجام شده است. نمونه ۱۰۰۸ نفر از افراد متأهل بودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش فعالیت مذهبی روابط ازدواج را بهبود نمی‌بخشد و دیگر اینکه اعتقادات مذهبی، شادی ازدواج و یا روابط متقابل را افزایش نمی‌دهد. همچنین کشمکش و مشکلات معمول را که باعث طلاق می‌شود را کاهش نداده بود. از سوی دیگر افزایش در شادی ازدواج تا حدی دو تا از پنج مورد نظر مذهبی بودن را افزایش می‌دهد. و در آخر شرکت در کلیسا که بوسیله افزایش در تعاملات ازدواجی تأثیر می‌پذیرد و به طور معمول رابطه بین مذهب و کیفیت زندگی به طور دو طرفه ضعیف می‌باشد.

دوگرف (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش تربیت اجتماعی افراد (پیشینه خانوادگی افراد در خانواده و تأثیر آن بر اختلافات والدین و فرزندان» انجام داده است. جامعه نمونه ۱۲۷۰ نفری در ایالت ویرجینا نشان داد که کودکانی که در خانواده بسیار مورد حرمت و پذیرش قرار گرفته‌اند به نوعی لوس بار می‌آیند و در آینده به افرادی پرخاشگر تبدیل می‌شوند. همچنین تربیت صحیح و منطقی بر اساس تحصیلات و سواد علمی در کاهش اختلافات زناشویی مؤثر است.

کرادوک (۲۰۰۲) پژوهشی با عنوان «بررسی مقوله‌های مؤثر بر رضایت زناشویی» انجام داده است. نتایج نشان داد که بین رضایت زناشویی با مؤلفه‌های هم‌سوئی در اعتقادات مذهبی، مسائل شخصیتی، توانایی حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، نگرش درباره نقش‌های زناشویی، و هم‌گرایی در مسائل مربوط به فرزندان، ازدواج، خانواده و دوستان همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین او به این نتیجه رسید که همسرانی که رضایت زناشویی بالاتری داشتند، از انعطاف‌پذیری متعادل و همبستگی بالایی برخوردار بودند.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- نظریه همسان همسری

همسانی میان دو فرد، نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن می‌گوید انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد، در تمامی سنین در میدانی فراخ تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاک و برگس بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ها عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. وود در اثرش، ازدواج از دیدگاه مذهبی، می‌گوید؛ هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. شنگ و یامورا بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم تر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۴۰). در مجموع، می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظام‌های همسرگزینی، متمایل به ازدواج همسان هستند که این خود می‌تواند نتیجه تمایل به معامله‌گری و مبادله ارزش‌های معنوی و دارایی‌های مادی باشد. نظریه همسان همسری، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. این درحالی است که براساس ناهمسان همسری که ازدواج نماید احتمال تشدید اختلافات و ناسازگاری میان آنان بیشتر است.

۳-۲- نظریه مبادله

انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و سعی می‌کنند که در این ارتباط، برای خود نفعی به دست آورند. هر گونه ارتباط با دیگران در حکم نوعی مبادله است. نظریه مبادله، سعی دارد نشان دهد که رفتار بر حسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. رفتارهای مورد نظر در این جا، رفتارهایی هستند که بین دو شخص تعامل ایجاد می‌کنند، یعنی رفتارهایی که در آن‌ها بین دو شخص تبادل وجود دارد و هر دو نفر پاداش‌ها و هزینه‌های ناشی از تبادل را محاسبه می‌کنند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین، برابر باشد. در واقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. برای تبیین روابط بین زن و شوهرها و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، از دیدگاه مبادله اجتماعی استفاده می‌شود (بدر و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶). بدین ترتیب از دیدگاه این نظریه، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود که از ابتدای زندگی شروع می‌شود اگر حقوق متقابل آنان را به عنوان پاداش و هزینه تلقی کنیم، زندگی آن‌ها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله می‌گردد و در نهایت، منجر به گسست روابط متقابل و ناسازگاری زوجین می‌شود. برای مثال، زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی کنند، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه خواهد داد. در واقع، پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی بدین ترتیب، هرچه خود به دست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان، ۱۳۸۷: ۴۴). پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی)، و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان‌دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی، به عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر، برایش ارزشمند می‌گردد. بنابراین در جامعه‌ای که قانون زناشویی سود اندکی را برای فرد به همراه می‌آورد، به ویژه وقتی فرد می‌تواند نیازهای خود را با هزینه‌ی کمتری از طرق دیگر به دست آورد، نگرش نسبت به طلاق مساعدتر می‌گردد. جامعه‌ای که قانون خانواده را صرفاً ابزاری برای ارضای غرایز و عواطف جنسی می‌داند، و از طرف دیگر راه را برای ارضای این نیازها از طرق دیگر و با هزینه‌ی کمتر باز می‌گذارد، باید منتظر نگرش سهل‌گیرانه‌تر افراد آن جامعه به طلاق و به تبع آن، افزایش روز افزون آمار طلاق باشد. در واقع این شرایط در ابتدا منجر به ایجاد ناسازگاری میان زوجین شده و سپس هنگامی که فرد برای ضرردهی رابطه اثبات شد در میان مدت به دنبال راهکار طلاق می‌اندیشد.

۳-۳- نظریه شبکه

این نظریه، هر نظریه غیرساختاری را که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند، رد می‌کند. یکی از چهره‌های مشهور نظریه شبکه، الیزابت بات، درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر را با میزان تراکم شبکه‌ای که زوجین، بیرون از خانه برای خود حفظ می‌کنند، همبسته می‌داند. هرچه ارتباط ایشان با شبکه‌های خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیک تر و هرچه این شبکه‌ها متراکم تر باشند، رابطه زن و شوهر به عنوان زوج زناشویی تفکیک شده تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز صادق است، هرچه شبکه‌ها پراکنده تر باشند، نقش‌های مردانه و زنانه نشانگر جدایی و تفکیک هستند. وی این نکته را در قالب فشارهای فرهنگی طرح می‌کند که اگر زن و شوهر، هر دو به شبکه‌ای متراکم تعلق داشته باشند و این شبکه‌ها حفظ شوند، ازدواج صرفاً به همین روابط موجود تحمیل می‌گردد، به نحوی که زوجین فقط به سوی فعالیت‌هایی که شبکه، مجاز می‌داند کشانده می‌شوند. در این حالت، تفکیک خشک و انعطاف‌ناپذیر نقش‌ها امکان‌پذیر می‌گردد، زیرا زوجین هر دو قادر به کسب حمایت از خارج از حیطه خانواده خواهند شد. بنابراین، نظریه شبکه بر روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تأکید دارد و بیان می‌کند که هر چه روابط بین شبکه کمتر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می‌دهند. پس اگر شبکه قوی باشد، زوجین خود نمی‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، چرا که باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود قبول کنند. این مسئله، می‌تواند زمینه بروز اختلافات و ناسازگاری در میان خانواده را به وجود آورد و در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال شود. زن و شوهری که در یک شبکه اجتماعی پراکنده زندگی می‌کنند، از محیط و دوستان خارج از خانه کمک و حمایتی نمی‌شوند بنابراین مجبور هستند که به کمک‌های متقابل یکدیگر و حتی قبول نقش‌های سنتی یکدیگر فکر کرده و آن را قبول نمایند. پس به طول کلی روابط زوجین با دیگران و تأثیر آن بر زندگی آنان دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی می‌تواند باشد. در برخی موارد این نوع روابط می‌تواند در کنار عدم مدیریت صحیح، به نهاد خانواده صدمه زده و منجر به دخالت دیگران در زندگی فرد و در نهایت ایجاد نوعی اختلاف و ناسازگاری میان زوجین شود.

۳-۴- نظریه منزلت اجتماعی (قشربندی اجتماعی)

ژان ژاک روسو یکی از پیش‌قراولان تفکر جامعه‌شناسی معتقد است که میان انسان‌ها دو گونه نابرابری وجود دارد: نابرابری‌های جسمی که از طبیعت مایه می‌گیرند و تفاوت در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهنی یا روحی را شامل می‌شود و دیگری، که می‌توان آن را نابرابری اخلاقی و سیاسی نامید، مبتنی بر نوعی قرارداد است که در نتیجه توافق و تراضی انسان‌ها ایجاد و یا دست کم مجاز می‌شود و شامل امتیازهای متفاوتی است که برخی افراد از آن بهره می‌برند. بنابراین هر جامعه‌ای از تعدادی سلسله مراتب عمودی ساخته شده است که مبنای هر یک از آن‌ها مبتنی بر ارزش‌های خاصی است. کسانی که در رده بالای این سلسله مراتب قرار دارند دارای منزلت اجتماعی بیشتر از کسانی هستند که در پایین سلسله مراتب قرار گرفته‌اند (محسنی، ۱۳۶۶: ص ۵۴۸). جامعه‌شناسان تاکنون دریافته‌اند که تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی ما انسان‌ها از جمله بهره‌های هوشی، موفقیت تحصیلی، بعد خانوار، معیارهای تغذیه، عقاید سیاسی، بیماری‌هایی که از آن رنج می‌بریم و حتی نوع عادت‌های ما در روابط جنسی، با پایگاه ما در سلسله مراتب اجتماعیمان مرتبط است (رابرتسون، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

بر اساس این نظریه، افراد با منزلت اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی از رفتار دیگران دارند. همچنین خانواده‌ها با منزلت‌های متفاوت اجتماعی، به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، توان‌همنواپی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی‌هنجاری‌های اجتماعی می‌شوند (روشه، ۱۳۸۵). در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد. علاوه بر این عواملی که موجب از هم پاشیده شدن خانواده‌ها می‌شود، با تغییر پایگاه‌های اجتماعی تغییر می‌یابد، زیرا هر طبقه و پایگاهی دارای منزلتی خاص و از نظر قدرت، و شیوه زندگی شرایط خاص خودش را دارد (توسلی، ۱۳۷۱). بنابراین منزلت اجتماعی با تحت تأثیر قرار دادن جنبه‌های مختلف زندگی، بر پدیده طلاق نیز تأثیر می‌گذراند.

۳-۵- دیدگاه کنش متقابل

یکی دیگر از دیدگاه‌های مهم در مطالعه خانواده و روابط بین فردی دیدگاه کنش متقابل نمادی است که به دو مسئله مهم توجه دارد که هر دو در مرکز توجه جامعه‌شناسان خانواده می‌باشد: الف) اجتماعی شدن (به این که موجودات بشر چگونه الگوی رفتاری و روش تفکر و احساس اجتماعی را یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند توجه می‌کند). ب) شخصیت (به روشی که این نگرش‌ها، ارزش‌ها در رفتارها سازمان داده می‌شوند توجه می‌کند) (ایشلمان، ۱۹۸۸: ۶۰). کنش متقابل بین انسان اجتماعی شده به وسیله استفاده از نمادها، تفسیر یا معین کردن معانی، ارتباط کلامی یا غیر کلامی برای کنش‌های دیگران صورت می‌گیرد. کنش متقابل نماد کنشی عینی و ذهنی فرض می‌شود که در آن کنشگر فعال در نظر گرفته می‌شود.

کریستن^۱ معتقد است زوج‌های سازگار از توانایی بالاتری برای پیش‌بینی رفتار طرف مقابل خود برخوردار هستند و لذا در روابط زناشویی نیز موفق‌تر هستند. جان وگاتمن^۲ نیز بر اساس یافته‌های تحقیقاتی خود متذکر می‌شوند که زوج‌های سازگار در برداشت خود از منظور و هدف طرف مقابل (یکی از زوجین) به صورت منفی عمل می‌کنند. در حالی که برای زوج‌های سازگار بین فرستنده و برداشت گیرنده پیام، تفاوت اندکی وجود دارد. به باور آن‌ها این تفاوت ممکن است ناشی از آن باشد که رمز خوانی پیام-ها توسط زوج‌های ناراضی تحت تأثیر تعریف شناختی منفی قرار گیرد. بدین ترتیب صرف نظر از این که اهداف و منظور فرستنده پیام چه بوده زوج‌های سازگار بیشتر اهداف طرف مقابل را منفی تفسیر می‌کنند.

بلومر که از دیگر نظریه پردازان کنش متقابل نمادی است معتقد است که جامعه از ساختارهای کلان و وسیع ساخته نشده است بلکه ماهیت جامعه را باید در کنشگران و کنش آنها جستجو کرد. جامعه انسانی را باید یک نظامی از کنش‌های انسانی دید و زندگی جامعه را باید در همین کنش‌ها جستجو کرد (ریتزر، ۱۳۹۰: ۳۴۷). جیینگ^۳ و رابطه بین کنش متقابل زوجین و خوشبختی زناشویی را در یک مطالعه سه بعدی در آمریکا مورد بررسی قرار داد. برای این منظور نمونه‌ای از اشخاص متأهل را انتخاب می‌نماید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌داد که یک رابطه متقابل مثبت بین کنش متقابل زناشویی و خوشبختی زناشویی وجود دارد (باباسالاری، ۱۳۹۱: ۴۳).

۴- فرضیات پژوهش

در این پژوهش فرض ما بر این است که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین و والدین آن‌ها، مشکلات اقتصادی، اختلافات و تفاوت‌ها میان زوجین، عدم صمیمیت و علاقه زن و شوهر، عدم تعادل در شرایط و امکانات دوران تجرد و تأهل و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) و ناسازگاری میان زوجین (به عنوان متغیر وابسته پژوهش) رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۵- روش پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق مردان و زنان دارای اختلافات زناشویی در خانواده‌های شهر کاشان است. حجم نمونه‌ی پژوهش، باتوجه به عدم داشتن آمار معتبر، برابر با ۳۰۰ تعیین شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته بوده است. در این پژوهش جهت سنجش روایی و پایایی پرسشنامه از پیش‌آزمون (با تعداد نمونه‌ی ۳۵ نفر) و سنجش اولیه‌ی ابزار پژوهش استفاده شد. در این زمینه ما از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. مقادیر آلفای کرونباخ برای همه‌ی متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ بودند و این بدین معناست که گویه‌های استفاده شده برای سنجش متغیرهای پژوهش دارای اعتبار و قابلیت اعتماد بوده‌اند.

۶- یافته‌های پژوهش

مشخصات عمومی پاسخگویان

از لحاظ جنس (۱۲۳ نفر، ۴۱/۰٪) پاسخ‌گویان مرد و (۱۷۷ نفر، ۵۹/۰٪) پاسخ‌گویان زن می‌باشد. در نتیجه بیشتر پاسخ‌گویان را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر متغیر سن، بیشترین میزان فراوانی مربوط به (۱۸-۳۲ سال) می‌باشد با تعداد (۲۰۲ نفر، ۶۷/۳٪) و کمترین میزان فراوانی مربوط به (۴۶-۶۰ سال) می‌باشد با تعداد (۲۷ نفر، ۹/۰٪) را به خود اختصاص داده است. بر اساس محل سکونت، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که در شهر زندگی می‌کنند، شامل (۲۸۳ نفر، ۹۴/۳٪)، و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که در روستا زندگی می‌کنند، شامل (۱۷ نفر، ۵/۷٪) می‌باشند. از نظر متغیر شغل، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که شاغل بوده، شامل (۱۵۹ نفر، ۵۳/۰٪) و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که غیرشاغل بوده و تعداد آنها (۱۳۵ نفر، ۴۵/۰٪) می‌باشند. در این زمینه (۶ نفر، ۲/۰٪) وضعیت اشتغال خود را بیان نکرده‌اند. از نظر تعداد اعضای خانواده، بیشترین تعداد به گروه (۳-۶ نفر) با تعداد (۱۶۹ نفر، ۳۵/۰٪) اختصاص داده شده است و کمترین تعداد به گروه (۶-۹ نفر) با تعداد (۲۳ نفر، ۷/۷٪) اختصاص داده شده است. در این زمینه (۳ نفر، ۱/۰٪) تعداد اعضای خانواده خود را بیان نکرده‌اند. از لحاظ متغیر تحصیلات، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می‌دهد که در مقطع دیپلم هستند، شامل (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) می‌باشد و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که در مقطع فوق لیسانس بودند، شامل (۴ نفر، ۱/۳٪) می‌باشند.

1 Christine
2 Jahn & Gatman
3 Jipingzuo

براساس متغیر تحصیلات پدر، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات پدر آنها ابتدایی است و شامل (۱۲۸ نفر، ۴۲/۷٪) می باشد و کمترین تعداد نفرات افرادی هستند که تحصیلات پدر آنها فوق لیسانس می باشد و تعداد آنها (۱ نفر، ۳٪) می باشد. از نظر تحصیلات مادر، بیشترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات مادر آنها ابتدایی است، شامل (۱۳۳ نفر، ۴۴/۳٪) و کمترین تعداد نفرات را افرادی تشکیل می دهد که میزان تحصیلات مادر آنها فوق دیپلم است، شامل (۲ نفر، ۷٪) می باشد. بر اساس متغیر میزان درآمد ماهیانه خانواده، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۴۱ نفر، ۱۳/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۶ نفر، ۵/۳٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۸۰ نفر، ۲۶/۷٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۵۸ نفر، ۱۹/۳٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) را به خود اختصاص داده است. از نظر متغیر میزان درآمد پدر، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۲۶ نفر، ۸/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۴۱ نفر، ۱۳/۷٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۵۱ نفر، ۱۷/۰٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان (۹۲ نفر، ۳۰/۷٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان (۹۰ نفر، ۳۰/۰٪) را به خود اختصاص داده است. از نظر متغیر میزان درآمد مادر، بدون درآمد با تعداد (۲۶۹ نفر، ۸۹/۷٪)، کمتر از ۲۰۰ هزار تومان با تعداد (۸ نفر، ۲/۷٪)، ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان با تعداد (۳ نفر، ۱/۰٪)، ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان با تعداد (۱۰ نفر، ۳/۳٪)، ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان با تعداد (۳ نفر، ۱/۰٪)، بالاتر از ۸۰۰ هزار (۷ نفر، ۲/۳٪) را به خود اختصاص داده است. براساس متغیر شغل، فرهنگی (۲ نفر، ۷٪)، کارمند (۴۰ نفر، ۱۳/۳٪)، کارگر (۴۵ نفر، ۱۵/۰٪)، مکانیک (۱۳ نفر، ۴/۳٪)، کشاورز (۲ نفر، ۷٪)، راننده (۷ نفر، ۲/۳٪)، حسابدار (۵ نفر، ۱/۷٪)، خیاط (۱ نفر، ۳٪)، مهندس (۱۶ نفر، ۵/۳٪)، شغل آزاد (۱۴۹ نفر، ۴۹/۷٪)، بازنشسته (۱۵ نفر، ۵/۰٪)، بیکار (۱ نفر، ۳٪) و (۴ نفر، ۱/۳٪) شغل خود را بیان نکرده اند. برحسب متغیر شغل همسر، خانه دار (۲۵۱ نفر، ۸۳/۷٪)، پرستار (۱ نفر، ۳٪)، فرهنگی (۹ نفر، ۳/۰٪)، قالیباف (۲ نفر، ۷٪)، خیاط (۹ نفر، ۳/۰٪)، شغل آزاد (۲۲ نفر، ۷/۳٪) می باشد. در این زمینه (۶ نفر، ۲/۰٪) شغل همسر خود را بیان نکرده اند. از نظر متغیر مدت ازدواج، بیشترین مقدار به (۱-۵ سال) با تعداد (۱۲۷، ۴۲/۳٪)، کمترین مقدار به گروه (۱۵-۲۰ سال) با تعداد (۱۸ نفر، ۶/۰٪) می باشد.

جدول ۱: شاخص های اصلی پژوهش و گویه های شاخص ها

شاخص های پژوهش	گویه های شاخص ها
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۱. تحصیلات پدر؛ ۲. تحصیلات مادر؛ ۳. درآمد ماهیانه پدر؛ ۴. درآمد ماهیانه مادر؛ ۵. وضعیت شغلی پدر؛ ۶. وضعیت شغلی مادر.
رضایت از زندگی مشترک (آلفای کرونباخ: ۰/۰۷۸۲)	۱. به طور کلی چقدر از ازدواج خود راضی هستید؟ ۲. فکر می کنید به چه میزان با ازدواج تان به آرزوهای و اهداف خود در زندگی مشترک تان رسیده اید؟ ۳. از میزان عشق و محبتی که همسرتان به شما دارد چقدر رضایت دارید؟ ۴. از روابط جنسی تان چقدر رضایت دارید؟ ۵. از مقدار توجهی که همسرتان به شما دارد چقدر رضایت دارید؟ ۶. تا چه حد یکدیگر را درک می کنید؟ ۷. تا چه میزان همسرتان به فرد ایده آل تان نزدیک است؟ ۸. به چه میزان شغل همسرتان را دوست دارید؟ ۹. به چه میزان از درآمد همسرتان راضی هستید؟ ۱۰. چقدر از قیافه ظاهری همسرتان راضی هستید؟ ۱۱. به چه میزان از اوقاتی که با همسرتان هستید احساس خوشحالی و شادمانی می کنید؟ ۱۲. به چه میزان در مورد مسائل و موضوعات مربوط به امور خانه با همسرتان تفاهم دارید؟ ۱۳. به چه میزان در مورد مسائل و موضوعات مربوط به تعداد فرزندان یا نحوه تربیت آن ها با همسرتان تفاهم دارید؟ ۱۴. به چه میزان به همسر خود اعتماد و اطمینان دارید؟
مقایسه دوران مجرد با تأهل (آلفای کرونباخ: ۰/۰۶۵۳)	۱. من قبل از ازدواج آزادی عمل بیشتری داشتم. ۲. من در دوران مجرد از رفاه مالی بیشتری برخوردار بودم. ۳. من قبل از ازدواج زمان استراحت بیشتری داشتم. ۴. من در دوران تأهل اوقات فراغت کمتری دارم و از این مورد ناراضی هستم. ۵. من قبل از ازدواج زمان بیشتری را با دوستانم می گذراندم. ۶. نیازهای من قبل از ازدواج بهتر تأمین می شد. ۷. من قبل از ازدواج امکان ارتقاء و پیشرفت بیشتری داشتم. ۸. من قبل از ازدواج آرامش روحی بیشتری داشتم.
مشکلات اقتصادی (آلفای کرونباخ: ۰/۰۹۰۳)	۱. خرج تراشی های بی مورد از طرف همسر من یا فرزندانم. ۲. ناکامی خانواده در دستیابی به زندگی همراه با رفاه. ۳. مشکلات مالی خانواده. ۴. نامناسب یا بی رویه خرج کردن درآمد خانواده از سوی اعضای خانواده. ۵. مشکلاتی همچون داشتن قرض و بدهی به دیگران یا بانک ها. ۶. مشکلات مسکن، مثل نداشتن مسکن یا نامناسب بودن آن. ۷. نداشتن اتومبیل، یا نامناسب بودن آن.
تفاوت ها بین زوجین (آلفای کرونباخ: ۰/۰۸۷۹)	۱. من و همسر من در مورد نحوه ارتباط با همسایگان یا خویشاوندان اختلاف نظر داریم. ۲. من و همسر من دارای اختلاف تحصیلی هستیم. ۳. سطح مالی خانواده من و همسر من خیلی متفاوت است. ۴. توقعات من و همسر من از زندگی کاملاً متفاوت است. ۵. من و همسر من در مورد نحوه خرج کردن درآمد خانواده دارای اختلاف هستیم. ۶. من و همسر من اختلاف عقیده ی زیادی داریم. ۷. من و همسر من در مورد نحوه تربیت فرزندان خود دارای اختلاف نظر هستیم. ۸. من و همسر من در مورد آینده ی فرزندان خود دارای اختلاف نظر هستیم. ۹. من و همسر من در مورد نحوه گذران اوقات فراغت اختلاف نظر داریم. ۱۰. من و همسر من دارای اختلاف سلیقه هستیم.
عدم صمیمیت و علاقه زوجین	۱. عدم توجه همسر من به سلیقه من. ۲. عدم توجه همسر من به علایق من. ۳. عدم حمایت همسر من از من در زمینه های مختلف. ۴. عدم همکاری همسر من در امور خانه. ۵. عدم گذشت و فداکاری همسر من در زندگی

شاخص‌های پژوهش	گروه‌های شاخص‌ها
(آلفای کرونباخ: ۰/۰/۹۴۰)	مشترک. ۶ عدم مشورت همسر با من در امور خانه. ۷ عدم احترام همسر نسبت به من. ۸ عدم ابراز عشق و محبت از سوی همسر نسبت به من.
دخالت اطرافیان (آلفای کرونباخ: ۰/۰/۹۲۹)	۱. خانواده‌ی همسر در زندگی ما دخالت بیجا دارند. ۲. همسر در تصمیم‌گیری‌های خود تابع نظرات والدین خود است. ۳. همسر در مورد نحوه‌ی تربیت فرزندان تابع نظرات دیگران است. ۴. همسر در تصمیم‌گیری‌های مهم، به جای توجه به نظر من به نظر دیگران بیش‌تر اهمیت می‌دهد. ۵. خانواده‌ی من در زندگی مشترک ما دخالت بیجا می‌کنند. ۶. دیگران در زندگی ما دخالت بیجا دارند. ۷. دخالت دیگران در زندگی ما به زندگی مشترک ما لطمه زده است.

توصیف متغیرهای پژوهش: جدول‌های یک بعدی

جدول ۲: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی و سلامت

روائی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی		رضایت از زندگی زناشویی		مقایسه دوران تأهل با مجرد		مسائل اقتصادی	
مقادیر	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پایین	۱۶۵	۵۵/۰٪	۵۰	۱۶/۷٪	۵۵	۱۸/۳٪	۵۸
متوسط	۱۰۵	۳۵/۰٪	۱۲۶	۴۲/۰٪	۱۵۸	۵۲/۷٪	۷۱
بالا	۳۰	۱۰/۰٪	۱۲۴	۴۱/۳٪	۸۷	۲۹/۰٪	۱۷۱
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد که از نظر پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بیشتر پاسخگویان (۱۶۵ نفر، ۵۵/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، (۱۰۵ نفر، ۳۵/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسط و (۳۰ نفر، ۱۰/۰٪) به پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا تعلق دارند. از نظر میزان رضایت از زندگی زناشویی بیشتر پاسخگویان (۱۲۶ نفر، ۴۲/۰٪) در سطح متوسط، (۱۲۴ نفر، ۴۱/۳٪) در سطح بالا، (۵۰ نفر، ۱۶/۷٪) در سطح پایین قرار دارد. از نظر میزان مقایسه دوران تأهل با مجرد بیشتر پاسخگویان (۱۵۸ نفر، ۵۲/۷٪) در سطح متوسط، (۸۷ نفر، ۲۹/۰٪) در سطح بالا، (۵۵ نفر، ۱۸/۳٪) در سطح پایین قرار دارند. از نظر میزان مسائل اقتصادی، بیشتر پاسخگویان (۱۷۱ نفر، ۵۷/۰٪) در سطح بالا، (۷۱ نفر، ۲۳/۷٪) در سطح متوسط، (۵۸ نفر، ۱۹/۳٪) در سطح پایین قرار دارد.

جدول ۳: فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای ارزش‌گذاری شغلی، دینداری و عزت نفس

اختلاف و تفاوت‌ها		نارضایتی از زندگی مشترک		دخالت اطرافیان	
مقادیر	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
پایین	۱۵	۵/۰٪	۷۰	۲۳/۳٪	۴۶
متوسط	۱۴۹	۴۹/۷٪	۱۰۱	۳۳/۷٪	۶۴
بالا	۱۳۶	۴۵/۳٪	۱۲۹	۴۳/۰٪	۱۹۰
جمع	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰	۱۰۰٪	۳۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد که از نظر میزان اختلاف و تفاوت‌ها بیشتر پاسخگویان (۱۴۹ نفر، ۴۹/۷٪) در سطح متوسط، (۱۳۶ نفر، ۴۵/۳٪) در سطح بالا، (۱۵ نفر، ۵/۰٪) در سطح پایین قرار می‌گیرد. از نظر میزان نارضایتی از زندگی مشترک، بیشتر پاسخگویان (۱۲۹ نفر، ۴۳/۰٪) در سطح بالا، (۱۰۱ نفر، ۳۳/۷٪) در سطح متوسط، (۷۰ نفر، ۲۳/۳٪) در سطح پایین قرار دارد. از نظر میزان دخالت اطرافیان، بیشتر پاسخگویان (۱۹۰ نفر، ۶۳/۳٪) در سطح بالا، (۱۲۹ نفر، ۴۳/۰٪) در سطح متوسط، (۴۶ نفر، ۱۵/۳٪) در سطح پایین قرار دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۴: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای پژوهش

نوع رابطه با متغیر اصلی در تحلیل مسیر	نتیجه نهایی آزمون	سطح معناداری همبستگی	ضریب همبستگی پیرسون	آزمون‌های آماری و نتایج آنها
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۴	۰/۱۶۷	پایگاه اقتصادی-اجتماعی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۴۰۱	مقایسه دوران تأهل و مجرد / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۵۱۰	مسائل اقتصادی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۷۲۲	میزان اختلاف و تفاوت‌ها / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۶۵۹	عوامل موثر بر نارضایتی از زندگی / رضایت از زندگی زناشویی
داشتن رابطه معنادار	رابطه معنادار و مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	میزان دخالت اطرافیان / رضایت از زندگی زناشویی

جدول بالا نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل موثر بر نارضایتی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته‌ی پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس را نشان می‌دهد.

یافته‌ها و تحلیل‌های چند متغیره و تحلیل مسیر

جدول ۵: رگرسیون چند متغیره پیش بینی میزان رضایت از زندگی زناشویی به روش گام به گام

ردیف	متغیر	R	R ²	F	Sig
گام اول	میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۷۲۲	۰/۵۲۱	۳۲۳/۸۴	۰/۰۰۰
گام دوم	میزان دخالت اطرافیان	۰/۷۷۱	۰/۵۹۴	۲۱۷/۰۷	۰/۰۰۰
گام سوم	عوامل موثر در نارضایتی	۰/۷۸۳	۰/۶۱۳	۱۵۶/۱۴	۰/۰۰۰
گام چهارم	مقایسه دوران تأهل و مجرد	۰/۷۸۸	۰/۶۲۱	۱۲۰/۸۵	۰/۰۰۰

جدول ۶: ضرایب رگرسیون استاندارد و غیر استاندارد

متغیر پیش بین	B	T	Sig (T)
میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۳۹۹	۷/۳۴	۰/۰۰۰
میزان دخالت اطرافیان	۰/۳۰۰	۵/۳۷	۰/۰۰۰
عوامل موثر در نارضایتی	۰/۱۸۲	۳/۴۹	۰/۰۰۱
مقایسه دوران تأهل و مجرد	-۰/۱۶۱	-۲/۵۳	۰/۰۱۲
	$R^2=۰/۶۲۱$	$R=۰/۷۸۸$	

تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد مدل ما توانسته است تا چهار گام پیش رود؛ و توانسته است ۶۲٪ از تاثیرات بر متغیر وابسته را پیش بینی کند.

جدول ۷: متغیر خارج از معادله رگرسیون

متغیرهای خارج از معادله	همبستگی	T	Sig (T)
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۶۰	۱/۰۲۹	۰/۳۰۴
مسائل اقتصادی	۰/۰۶۶	۱/۱۳۴	۰/۲۵۸

تحلیل مسیر

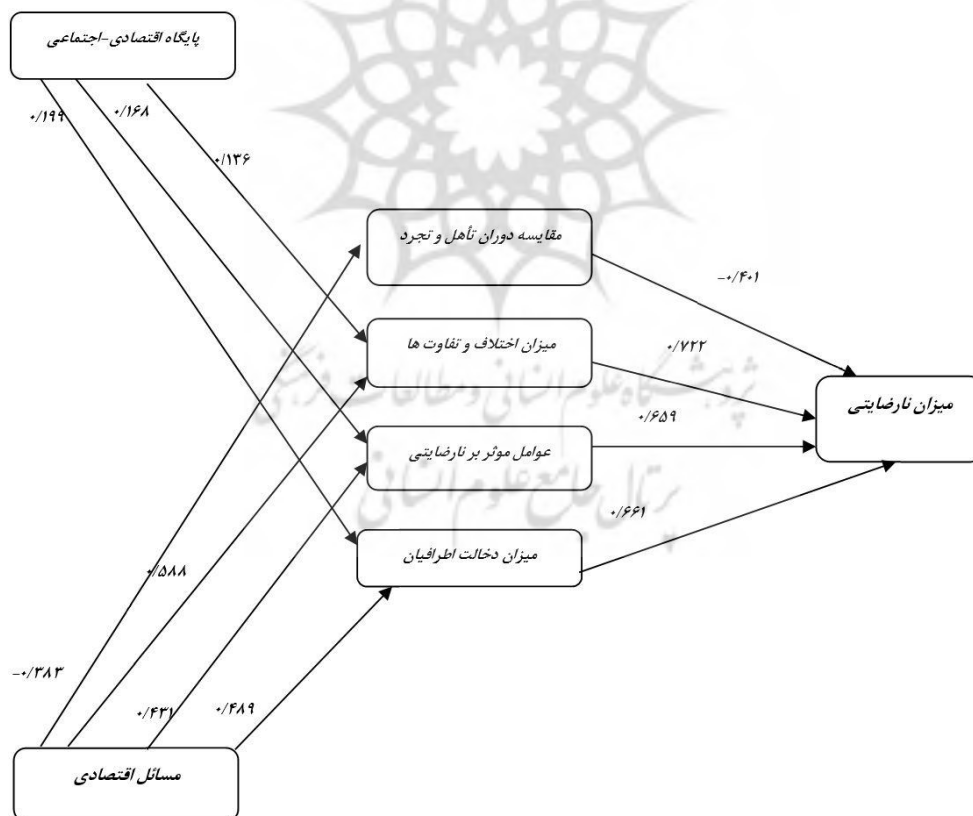
تحلیل مسیر یکی از روش‌های پیشرفته آماری است که نشان دهنده چگونگی تأثیرات علی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و هم چنین تأثیر متغیرهای مستقل بر یکدیگر است. این روش هم میزان تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل و هم تأثیر غیرمستقیم آنها بر متغیر وابسته را از طریق ضرایب مسیر نشان می‌دهد. ضرایب مسیر همان بتاها یا ضرایب استاندارد شده رگرسیون هستند که میزان تأثیر خالص هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهند.

جدول ۸: محاسبه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
میزان اختلاف و تفاوت‌ها	۰/۷۲۲	۰/۵۲۲	۱/۲۴۴
میزان دخالت اطرافیان	۰/۶۶۱	۰/۴۵۴	۱/۱۱۵
عوامل موثر در نارضایتی	۰/۶۵۹	۰/۳۹۴	۱/۰۵۳
مقایسه دوران تأهل و مجرد	-۰/۴۰۱	۰/۱۵۳	-۰/۲۴۸

جدول فوق نشان دهنده تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق، به ترتیب متغیرهای میزان اختلاف و تفاوت‌ها، میزان دخالت اطرافیان، عوامل موثر در نارضایتی، مقایسه دوران تأهل و تجرد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسائل اقتصادی اگرچه رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار کرده بود اما در نهایت از معادله خارج شده است.

مدل تحلیل مسیر



۷- نتیجه‌گیری پژوهش

خانواده مهم‌ترین نهاد و عامل همبستگی اجتماعی قلمداد می‌شود. این نهاد اجتماعی به عنوان یک خرده نظام مهم تمام ویژگی‌های یک نظام اجتماعی را دارا است و به همین دلیل تعادل یا عدم تعادل و میزان کیفیت روابط زوجین در آن به صورت مستقیم بر کل نظام اجتماعی و کیفیت چگونگی روابط افراد در آن اثرگذار است. ازدواج نقطه عطفی در زندگی هر فرد محسوب شده و مهم‌ترین پیوندی است که میان دو فرد رخ می‌دهد و هم چنین سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی-عاطفی است که در کیفیت زندگی افراد و تربیت نسل‌های بعدی نقش حیاتی دارد. کیفیت رابطه زناشویی، زیربنایی را شکل می‌دهد که کارکرد آنی کل خانواده و سلامت جسمانی-روانی اعضا بر روی آن معنا می‌شود. ازدواج در همه جوامع یک نهاد مهم شمرده شده و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف مهم به شمار می‌رود. رضایت از ازدواج و سازگاری زوجین در تداوم آن نقش محوری دارد. زیرا وجود ناسازگاری در روابط همسران به دشوار شدن وظایف والدینی، کاهش میزان سلامت جسمانی و بهداشت روانی همسران، کاهش میزان رضایت از زندگی، احساس تنهایی بیش‌تر و به اختلال در روابط اجتماعی می‌انجامد. پیشرفت و تعالی یک جامعه امری چند وجهی است. پیشرفت کشورها در اقتصاد، علم و فناوری و صنعت خلاصه نشده و عامل انسانی از عوامل بسیار مهم توسعه محسوب می‌شود. امروزه مهترین علت اختلافات زوج‌ها، ناسازگاری زوجین با یکدیگر است این روزها تحمل زوجین جوان نسبت به چندین دهه پیش بسیار کاهش یافته است به صورتی که مهم‌ترین علت اختلافات خانوادگی در دادگاه‌ها نداشتن سازگاری زوجین با یکدیگر است.

هدف این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر ناسازگاری زوجین در زندگی مشترک در شهر کاشان است که بر این اساس ۳۰۰ نفر از زنان و مردان این شهرستان در قالب جامعه نمونه آماری انتخاب و بررسی شدند. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس فرضیه اول میان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.167$ و مقدار $Sig = 0.004$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که میان متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = -0.401$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین بین مقایسه دوران تأهل و مجرد و رضایت از زندگی زناشویی ارتباط معنادار و منفی وجود دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن است که میان متغیر مسائل اقتصادی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.510$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه چهارم بیانگر آن است که میان متغیر میزان اختلاف و تفاوت‌ها و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.722$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که میان متغیر عوامل مؤثر بر نارضایتی از زندگی و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.659$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه ششم نشانگر آن است که میان متغیر میزان دخالت اطرافیان و رضایت از زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا این آزمون مقدار همبستگی $R = 0.661$ و مقدار $Sig = 0.000$ را نشان می‌دهد و به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. بنابراین با افزایش این متغیر، سازگاری زناشویی بهبود و افزایش می‌یابد و برعکس، از ناسازگاری میان آنان کاسته می‌شود.

به طور کلی، آزمون رابطه بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مسائل اقتصادی، میزان اختلاف و تفاوت‌ها، عوامل مؤثر بر نارضایتی از زندگی و میزان دخالت اطرافیان (به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش) با رضایت از زندگی زناشویی (به عنوان متغیر وابسته پژوهش) رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. اما بین متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد با رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار و معکوس است. تحلیل رگرسیونی توانسته تا چهار گام پیش رود و ۶۲٪ از تاثیرات بر متغیر وابسته را پیش بینی کند. بر این اساس متغیر میزان اختلاف و تفاوت‌ها، متغیر میزان دخالت اطرافیان، متغیر عوامل مؤثر در نارضایتی و متغیر مقایسه دوران تأهل و مجرد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مسائل اقتصادی اگرچه رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار کرده بود اما در نهایت از معادله خارج شده است.

منابع

۱. باباسالاری، عاطفه (۱۳۹۱) بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی زنان متأهل شهر نورآباد ممسنی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
۲. بدار، لوک (۱۳۸۱) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
۳. جلیلیان، زهرا (۱۳۷۸) عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. رابرتسون، یان (۱۳۹۲) درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. روزه، گی، (۱۳۸۵)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۶. ریتزر، جرج (۱۳۹۰) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر یکتا.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر سروش.
8. Markman, H. J., Stanley, S., & Blumberg, S. L. (1994) Fighting for your marriage: Positive steps for preventing divorce and preserving a lasting love. San Francisco, CA: Jossey-Bass.
9. Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L.R. (2005) Marriage Satisfaction and Wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriage of choice. Journal of Counseling and Development, 83, 183-190.
10. Eshleman, J. Ross (1988) The Family, ed Boston: Allyn and Bacon
11. Noc, S.L (1987) Sociology of the Family, New Jersey: Prentice Hall Inc . Opping, Christin.

